

انتخاب در جهان خاکستری



حامد خانجانی

دانش آموخته فلسفه اخلاق

آدمی هر لحظه در مواجهه با یک انتخاب و تصمیم قرار دارد. اگر مسائل را به لحاظ پیچیدگی و ابهام در یک طیف رنگی از سیاه تا سفید در نظر بگیریم، یعنی مابین دو حالت حدی در وضعیتی که کاملاً می دانیم چه باید انجام دهیم تا حالتی که کاملاً می دانیم چه نباید کنیم، دشواری انتخاب و تصمیم گیری زمانی پیدا می شود که شرایط ترکیبی از سیاهی و سفیدی یا تیرگی و روشنی قرار دارند. این پیچیدگی و ابهام چنان عمیق است که در بایم، طیف خاکستری نفتنها در فاعل انتخاب کننده که در موضوع انتخاب شونده نیز وجود دارد. به عبارتی مسئله این است که «آنکه نا عالم است، باید آنچه نامعلوم است را برگزیند.» در سمت فاعل، روان انسان به عنوان بازیگر اصلی و پنهان تصمیم گیری عمل می کند. اگر انتخاب ها تنها براساس داده های عقلانی صورت می گرفت، زندگی بسیار ساده تر بود. اما واقعیت این است که انسان موجودی یکپارچه و تماماً عقلانی نیست. فریود معتقد بود که انسان تحت تأثیر سه نیروی نهاد، خود و فراخود قرار دارد. نهاد نماینده غرایز ابتدایی است که همواره به دنبال لذت و اجتناب از درد است. بسیاری از انتخاب های ما، حتی آن هایی که به ظاهر عقلانی می نماید، در واقع تحت تأثیر همین نیروهای غریزی است. موضوع دیگر تأثیر تجربیات کودکی است. یونگ با مفهوم «کهن الگوها» و «سایه» نشان داد که ترس ها و تمایلات ما ریشه در تجربیات گذشته دارد. فردی که در کودکی تحقیر شده، ممکن است در بزرگسالی با بهسوی کمال گرایی افراطی برود (جبران افراطی) یا از هرگونه رقابت بگریزد (اجتناب ناخودآگاه). این الگوها مانند فیلترهایی نادیدنی، گزینه های پیش رو را تحریف می کند. مسئله دیگر سوگیری های شناختی است. حتی زمانی که فکر می کنیم تصمیمی کاملاً منطقی گرفته ایم، ممکن است تحت تأثیر سوگیری هایی مانند سوگیری تاییدی (تمایل به تایید باورهای پیشین) یا هراس از زیان (ترس از دست دادن بیش از تمایل به سود) قرار گرفته باشیم. انسان بیشتر از آنکه موجودی عقلانی باشد، موجودی «عقلانی سازی کننده» است. ما پس از گرفتن تصمیم ها، برای آن ها توجیه عقلانی می سازیم؛ اما در لحظه انتخاب، عواملی مانند ترس، امید یا نیاز به امنیت، نقش اصلی را ایفا می کنند. گاه موضوع و آنچه مورد انتخاب است نیز دارای پیچیدگی های ذاتی است. ترکیبی از درستی و نادرستی یا کمال و نقص است. از این رو حتی اگر از ناحیه فاعل انتخاب گر، ابهامی وجود نداشته باشد، هیچ گاه گزینه مطلقاً خوب یا مطلقاً بد وجود ندارد. دشواری این موضوع زمانی حاد می شود که ترکیب مزایا و معایب گزینه یا گزینه هایی به شکل تقریباً برابری نمود پیدا می کند. (با فرض اینکه فاعل شناسا قدرت شناسایی ظرافت های موضوع را تا به این اندازه داشته باشد، که به نظر این فرض نیز فرضی بعید است.) امکان «عدم انتخاب» نیز وجود ندارد. خوب بود اگر شرایطی وجود داشت که با این همه پیچیدگی و ابهام، می توانستیم از انتخاب ها سر باز زنیم. اما چنانچه قابل درک است، عدم انتخاب نیز خود نوعی انتخاب است. روان انسان عدم قطعیت و زیست سراسر ابهام را بر نمی تابد. از این رو براساس کشش های درونی موضوعی را برگزیده، سپس آن را عقلانی سازی می کند. اما در بسیاری مواقع، به علت تضادهای متوجه موضوع، دیری نمی پاید که از تصمیمی که گرفته، پشیمان می شود. اما چگونه می توان در این جهان خاکستری تصمیمات نسبتاً بهتری گرفت؟ چنانچه بپذیریم که بسیاری از انتخاب ها ما تحت تأثیر نیروهای ناخودآگاه است، با شناخت سوگیری های ذهنی و تمایلات درونی، می توانیم تاحدی از تأثیر مخرب آن ها بکاهیم. تمرین ذهن آگاهی می تواند به ما کمک کند انگیزه های واقعی خود را تا حدودی بشناسیم. تصمیم گیری در موقعیت های خاکستری مستلزم نگاهی چندوجهی است. تحلیل چندبعدی گزینه ها، روشی برای شکستن پیچیدگی های یک انتخاب به مؤلفه های قابل مشاهده است. رویکرد اصلی می تواند پذیرش ابهام به جای جست و جوی قطعیت باشد. چه بسا بتوان به جای تلاش برای «بهترین» انتخاب، به گزینه «به اندازه کافی خوب» رضایت داد. از طرفی، باید در نظر داشت برخی انتخاب ها نیاز به گام های کوچک و بازخورد مداوم دارند، نه قضاوت های فوری. و گاه یک دیدگاه خارجی می تواند زوایای پنهانی را برای ما روشن کند. پذیرش این واقعیت که هیچ تصمیمی کاملاً درست یا غلط نیست، بلکه هر انتخابی بهایی دارد، می تواند تا حدی از انتظار نتایج مطلقاً رضایت بخش بکاهد. ما محکوم به انتخابیم، اما این انتخاب می تواند آگاهانه، انعطاف پذیر و برخوردار از مسئولیت پذیری باشد. با این حال باید همچنان دانست که این روان آدمی است که بر حوزه شناختی او حکم می راند و به کارگیری راه حل های پیش گفته تنها بخش کوچکی از ابهام مسئله را برطرف می کند. اطلاع از اینکه بسیاری از تصمیمات همه ما، به ناپاچ و تحت تأثیر ناشناخته ها اخذ می شود، امکان گذشت و رواداری را در مواجهه با خود و دیگری افزایش می دهد.

نگار: ایستنا

۱۶ ساعت ۲۴

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



طلای مهاجرت؟

قهرمانی دوباره تیم دانش آموزان ایران در المپیاد جهانی نجوم ضرورت برنامه ریزی برای حمایت از نخبگان علمی را دوچندان می کند



مسعود شاه‌حسینی

خبرنگار گروه فرهنگ

آخر هفته گذشته در آسمان علم و دانش جهان، ستارگان ایرانی درخشیدند. تیم دانش آموزی المپیاد نجوم و اختر فیزیک کشورمان رال در المپیاد جهانی این رشته پنج مدال طلا کسب کردند و قهرمان شدند؛ دومین قهرمانی طی دوسال که در تاریخ هیچ المپیادی در هیچ رشته ای تکرار نشده است، موفقیتی که بازتاب های زیادی داشته و به عنوان یک دستاورد علمی برای کشور و استعداد های نوجوان آن مورد توجه قرار گرفته است. در کنار این افتخار آفرینی و به احتراز درآمدن پرچم ایران، یک چالش دیرین نیز یادآوری می کند؛ آیا اقدامی برای حمایت از نخبگان علمی کشور صورت می گیرد.

تکرار پیروزی برزیل در هند

هجدهمین دوره المپیاد جهانی نجوم و اختر فیزیک که به میزبانی بمبئی هند برگزار شد، بزرگ ترین گرد همایی دانش آموزان نخبه این رشته از زمان تأسیس آن در سال ۲۰۰۷ بود. با حضور ۲۸۸ دانش آموز از ۶۴ کشور، این رقابت صحنه ای برای نمایش استعدادهای برتر جهانی در آزمون های نظری، تحلیلی، رصدی و تیمی بود. تیم ایران با ترکیبی از استعدادهای تازه مانند؛ حسین سلطانی، هیرد فودازی، حسین معصومی، عرشیا میرشمسی کاخکی و علی نادری لردجانی که برای دومین سال مدال طلا را به گردن آویخت، بهترین عملکرد را داشت. ایران تنها کشوری بود که بر پنج عضو آن به مدال طلا دست یافتند. این پیروزی، ادامه روندی است که سال گذشته در برزیل آغاز شد؛ جایی که تیم المپیاد نجوم و اختر فیزیک ایران با پنج مدال طلا برای اولین بار قهرمان جهان شد. این دستاورد البته به آسانی به دست نیامده و متکی به سیستم آموزشی و علمی خاص است که مسیر پیچیده، دشوار و سهمر حلای دارد. مر حله ابتدایی، آزمون سراسری با ۳۵ سوال تستی است که فقط دانش آموزان پایه های دهم و یازدهم صلاحیت شرکت در آن را دارند. از میان هزاران شرکت کننده، حدود ۶۰۰ تا ۸۰۰ نفر به مرحله دوم که آزمون تشریحی است، راه می یابند. در دوره بعدی، موسوم به «دوره ۴۰»، ۴۰ دانش آموز برگزیده شرکت می کنند و پس از آزمون های جامع، ۱۰ نفر به عنوان دارندگان مدال طلای کشوری انتخاب می شوند. این گروه نیز به مدت یک سال آموزش می بینند و در نهایت پنج نفرشان به عنوان اعضای تیم ملی انتخاب می شوند. کل این فرایند ۱۷ ماهه است و در واقع فیلتری دقیق برای شناسایی و پرورش استعداد های برتر برای رسیدن به قله های موفقیت جهانی است. المپیاد جهانی نجوم و اختر فیزیک، در سال ۲۰۰۷ تأسیس شد. ایران اولین حضور غیر رسمی خود را در سال ۲۰۰۳ تجربه کرد و از سال ۲۰۱۰ به بعد به طور مداوم در میان سه تیم برتر جهان قرار گرفته است. ندا جعفری، مدیر مرکز نجوم آوا استار، معتقد است که موفقیت ها حاصل یک دهه تلاش مداوم و سازمان یافته است و نه پدیده ای جدید و زودگذر. او به هم‌میهن می گوید: «المپیاد نجوم در کشورمان سابقه ای چندین ساله دارد. گرچه ابتدا در سطح داخلی بود، اما در چندین دوره اخیر، ما ثابت کرده ایم که جزو برترین های جهان هستیم. در میان رشته های المپیادی، نجوم و اختر فیزیک به دلیل مدال آوری و افتخار آفرینی دانش آموزان ایرانی اهمیت ویژه ای دارد. حتی برخی از دانش آموزان مانوانسته اند دو مدال طلای جهانی نیز در این رقابت ها کسب کنند.»

دستاوردی برای اعتبار علمی ایران

درخشش دانش آموزان ایرانی در المپیاد جهانی نجوم و اختر فیزیک، دستاوردهای داخلی و بین المللی زیادی دارد که یکی از مهم ترین آن، ایجاد ارتباطات بین المللی با دانشگاه ها و مؤسسات علمی معتبر جهان است. محمدحسین قاسم پور، رئیس کمیته علمی المپیاد نجوم و اختر فیزیک معتقد است، این موفقیت فراتر از کسب مدال، دستاوردی است که اعتبار ملی ایران را در سطح جهانی تقویت می کند. او در گفت و گو با تسنیم اشاره کرده که کشورهای رقیب در رقابت ها، نظم و پایداری سیستم آموزشی المپیادی ایران را تحسین

کرده اند. جعفری نیز بر این باور است که موفقیت های دانش آموزان ایرانی علاوه بر اینکه افتخار آفرینی ملی محسوب می شود، منجر به ارتقای جایگاه علمی ایران در جامعه بین المللی می شود. او می گوید: «با کسب افتخار در حوزه المپیاد دانش آموزی، به جایگاه ایران به لحاظ علمی در فضای بین المللی توجه می شود. نمایش توانمندی و استعداد جوانان کشور در سطح جهانی، اتفاق مبارکی است که باید به صورت جدی و با برنامه های مدون به آن پرداخته شود.» مدیر کمیته آماتوری انجمن نجوم ایران، به اثرات این موفقیت بر فضای داخلی کشور هم اشاره می کند: «یکی از مهم ترین دستاوردهای موفقیت تیم المپیاد نجوم و اختر فیزیک ما، الگوسازی برای نسل جوان است. بسیاری از برگزیدگان المپیاد از شهر های کوچک و دور از مرکز برخاسته اند و موفقیت آنان الگویی ارزشمند برای هم‌سپ سال های آنها باشد.» جعفری بر رابطه مثبت این موفقیت بر اقبال دانش آموزان به علم نجوم و اختر فیزیک اشاره می کند: «بر خلاف رشته هایی مانند کامپیوتر، ریاضی و فیزیک، حوزه نجوم و اختر فیزیک چندان شناخته شده نیست. حتی ممکن است عده ای ندانند که می توان در چنین رشته هایی ادامه تحصیل داد. اما امروزه به لطف مدال آوران مان در المپیاد جهانی، رشته های نجوم و فیزیک بیش از گذشته مورد توجه خانواده ها قرار گرفته و شمار بیشتری از دانش آموزان برای ادامه تحصیل در این رشته ها علاقه نشان می دهند. در این مسیر، همراهی خانواده ها و همکاری مدارس بسیار ضروری است.»

مهاجرت نخبگان در نبود نظام حمایتی

موفقیت های پی در پی تیم های المپیادی در آوردگاه های جهانی، هر چند بر تعداد برگ های کتاب افتخارات علمی کشور می افزاید، این پرسش بنیادین و کلیدی را نیز پیش روی ما قرار می هد که از این اعتبار علمی چطور باید بهره رداری کرد؟ مهم تر اینکه، با چالش های دیرینه ای مانند مهاجرت نخبگان چه باید کرد؟ اغلب استعداد ها و نخبگانی که حاصل سال ها تلاش، آموزش و سرمایه گذاری ملی هستند، در نبود بستر ها و سیاست های حمایتی برای رشد و شکوفایی، آینده شان را در خارج از مرز ها جست و جو می کنند؛ مدال های طلایی که با عرق ریزان روح، شبیداری ها، دوری از خانواده و انواع فشار های روحی و روانی به دست می آید، به روایتی برای ورود و حضور در دانشگاه ها و مراکز علمی کشور های دیگر تبدیل می شود. این چرخه باطل، ریشه در واقعیت های تلخی چون؛ فقدان فرصت های شغلی متناسب، محدودیت های پژوهشی و کم توجهی به جایگاه علمی این افراد دارد. نکته ای که سر پرست تیم المپیاد نجوم و اختر فیزیک کشور هم به آن این گونه اذغان کرده است: «مستولان باید با تدبیری هوشمندانه و هدفمند، مسیر را برای شکوفایی نخبگان و بهره برداری از دستاوردهای آنها هموار کنند: «ما استعداد ها را می کاریم، اما باید تضمین کنیم که در خاک وطن خود به ثمر بنشینند. این یک کسب کرده ایم اما واقعیت تلخ است که شمار دانش آموزانی که پس از موفقیت در المپیاد نجوم و اختر فیزیک همچنان در ایران مانده اند، به تعداد انگشتان بدست هم نمی رسد.» او اضافه می کند: «مهاجرت نخبگان، مسئله ای نگران کننده است و باید به صورت ریشه ای بررسی شود. ما باید بدانیم جوانان و نواح کشور نیز همانند سر مایه های مادی، مهم هستند. بسیاری از برگزیدگان المپیاد وطن دوست و دغدغه مندند و برای افتخار آفرینی ایران تلاش می کنند، اما در نهایت شرایط به گونه ای رقم می خورد که ناچار به انتخاب مسیر مهاجرت می شوند.»

موفقیت در خشان تیم المپیاد نجوم ایران، نه تنها افتخاری برای ایران، بلکه فرصتی برای بازنگری در نظام حمایتی از نخبگان است. با ایجاد بستر های مناسب برای رشد و شکوفایی این استعداد ها، می توان از مهاجرت آن ها جلوگیری کرد و دستاوردهایشان را به سرمایه ای پایدار برای پیشرفت علمی و توسعه ملی تبدیل نمود.

یار تختی

دوباره امامعلی حبیبی اسطوره کشتی ایران که دیروز درگذشت



سپهر خرمی

خبرنگار هم‌میهن

امامعلی حبیبی، نه فقط یک ورزشکار و اسطوره، که انسانی همه فن حریف بود. او نه تنها نخستین قهرمان طلایی ایران در بازی های المپیک بود، بلکه الگویی ماندگار برای نسل هایی شد که پس از او روی تشک کشتی، افتخار آفرینی کرده است. بسیاری شاید نمی دانند چرا لقب پلنگ مازندران به اسطوره کشتی دادند؛ اما توانایی او در اداره ی کشتی و البته چیره دست بودن اش در زیر یک کم گرفتن حریف باعث شد که این لقب برای او انتخاب شود. در المپیک ۱۹۵۶ میلورن که همه از کاروان ایران - به دلیل نداشتن تجربه اکثریت ورزشکاران - نا امید بودند و به کسب مدال، امیدی نبود، حبیبی یک تنه جور تمام ورزشکاران را کشید و طلایی کاروان ایران شد. امامعلی حبیبی با اراده ای باور نکردنی که هنوز نقل محافل است، یک به یک رقبایش از شوروی سابق، ترکیه و آمریکا را از پیش رو برداشت و طلایی شد؛ اولین طلایی تاریخ کاروان ایران در مسابقات المپیک. این موفقیت نه تنها نقطه عطفی برای ورزش کشور بود، بلکه سرآغاز راهی شد که بعدها بسیاری از کشتی گیران بزرگ ایران همچون غلامرضا تختی و عبدالله موحد در آن گام برداشتند.

امامعلی حبیبی اما زندگی پر فراز و نشیبی داشت؛ هم در عرصه حرفه ای، هم در زندگی شخصی. کمتر کسی می داند، او در روز هایی که نماینده مجلس شهر خود شده بود به دلیل حمایت های بی دریغ اش از مردم، بدهی سنگینی به بار آورد و همین عاملی شد تا به سمت بازیگری سوق داده شود تا بتواند بدهی خود را تسویه کند. او پس از سال ها افتخار آفرینی، به عرصه سیاست وارد شد و در سال های پیش از انقلاب، به عنوان نماینده مجلس شورای ملی انتخاب شد. این انتخاب بیانگر جایگاه اجتماعی و اعتبار شخصیتی بود که مردم او را نه تنها به عنوان یک قهرمان ورزشی، بلکه به عنوان فردی امین و اثر گذار می شناختند. حضور یک کشتی گیر در مجلس شورای ملی، خود نشانه ای روشن از جایگاه والای ورزشکاران در وجدان عمومی جامعه ایران در آن دوران بود.

بُعد دیگری از زندگی حبیبی که کمتر به آن پرداخته شده، حضور او در سینماست. او در سال هایی که با مشکلات مالی مواجه بود، برای جبران بدهی های خود به بازیگری روی آورد. شاید برای بسیاری عجیب بود که «پلنگ مازندران» این بار، نه روی تشک کشتی، بلکه بر پرده نقره ای، در خشان ظاهر شود. فیلم «ببر مازندران» از جمله آثار ی است که امامعلی حبیبی در آن ایفای نقش کرد؛ فیلمی که اگر چه از منظر هنری چندان ماندگار نشد، اما به دلیل حضور چهره ای همچون حبیبی، در حافظه مخاطبان آن دوران جای گرفت. این تجربه هر چند کوتاه بود، اما نشان داد که حبیبی شخصیتی چندوجهی داشت و حتی در دشوارترین مقاطع زندگی به عرصه های تازه ای قدم برداشت که تجربه اش را ندانست. حبیبی که نمی خواست به مردم بدهکار باشد، وارد عرصه سینما شد تا هیچ بدهی نداشته باشد؛ هر چند افرادی که از اسطوره کشتی طلب داشتند، بارها به او گفته بودند حساب شان با او صاف است و طلبی ندارند اما حبیبی نمی خواست زیر دین فردی باشد و به همین دلیل با بازی در چهار فیلم، بدهی ۱۲۰ هزار تومانی آن دوران را تسویه کرد تا با خیال راحت به زندگی خود ادامه دهد.

امامعلی حبیبی امروز تنها به عنوان نخستین دارنده مدال طلای المپیک در تاریخ ایران شناخته نمی شود؛ او نماد اراده، پشتکار و تعصب نسلی است که بدون بر خورداری از امکانات پیشرفته، با تلاش فردی و روحیه پهلوانی، پرچم ایران را در میادین جهانی به اهتزاز درآورد. میراث او برای کشتی ایران، صرفاً مدال ها و افتخار ورزشی نیست، بلکه الگویی اخلاقی و اجتماعی است که نشان داد قهرمان بودن، صرفاً به معنای پیروزی در میدان ورزشی نیست، بلکه به معنای شجاعت در مواجهه با چالش های گوناگون زندگی نیز هست.

امامعلی حبیبی را می توان قهرمانی چندوجهی دانست. او در طول زندگی پرفراز و نشیب خود سعی کرد در کنار خدمت به مردم، روی تشک کشتی نیز افتخار آفرینی و حال مردم را خوب کند. او روی تشک کشتی، مجلس شورای ملی و قاب سینما، تصویری ماندگار از خود ثبت کرد. شاید در هر یک از این عرصه ها به اندازه میدان کشتی موفقیت به دست نیاورد، اما در حافظه تاریخی ملت ایران همواره همان «پلنگ مازندران» باقی ماند؛ پهلوانی که با طلای المپیک، نام ایران را در جهان بلندآوازه کرد و با زندگی پر حادثه خود، معنای تازه ای از قهرمانی را به نمایش گذاشت.

نام او نفتنها در تاریخ ورزش ایران، بلکه در ذهن و دل مردم جاودانه است. امامعلی حبیبی فراتر از یک قهرمان ورزشی، نمادی از امید، تلاش و جسارت ملتی است که همواره در سخت ترین شرایط نیز برای سربلندی خویش ایستادگی کرده است.

